



بررسی پدیده تکدیگری از دیدگاه روانشناسی، دین و حقوق اجتماعی

لاله عاکفی^۱

چکیده

از آن جایی که متکدیان نه تنها به کار تولیدی نمی پردازند و خدمتی ارائه نمیدهند بلکه توان بالقوه آنان یا بکلی در بیکاری هز میرود یا آنکه در مسیرهای انحرافی قرار میگیرد و در نهایت عواقب و آسیبهای اجتماعی شومی برای فرد و جامعه در بر خواهد داشت در این مقاله سعی شده است به بررسی علل تکدیگری و همچنین راههای کاهش این آسیب اجتماعی از دیدگاه روانشناسی و دین و حقوق اجتماعی پرداخته شود.

مقدمه

یکی از مسایل مورد توجه مطالعات جامعه شناسی، تکدیگری است که با ساخت های اجتماعی - اقتصادی هر جامعه ای در ارتباط است. تکدیگری در شهرها از معضلات اجتماعی است. آنان که با گدایی کردن حیات می گذرانند، نه تنها به کار تولیدی نمی پردازند یا خدمتی ارائه نمی دهند بلکه در مسیر های انحرافی قدم میگذارند. در این حالت جامعه، آسیب دیده و مغشوش می شود و در نهایت راه برای هنجار شکنی هر چه بیشتر باز می شود.

منظره صدها متکدی که در نهایت ذلت و با ارائه اندام های زخمی و ازکارافتاده در گوشه گوشه شهرها پدیدار می شوند، دال بر فقر، زوال منابع انسانی و همه نوع آمادگی در راه تکوین و بسط انواع جرایم است. از همین دیدگاه می توان گفت: همان طور که یکی از مهم ترین شاخص های رشد، آمادگی انسانی یک جامعه است، به همان نسبت نیز تعداد متکدیان شاخص اساسی در شناسایی عقب افتادگی آن جامعه به شمار می آید، چه پدیده تکدی با خود همه عوامل و

عناصر منفی را یکجا دارد. از جانبی فقر فرهنگی و تباهی جامعه را می‌رساند، از جانب دیگر به روشنی محرومیت‌ها را با تمامی ابعادش هم مادی و هم روانی به منصفه ظهور می‌گذارد.

پدیده تکدیگری و عوامل موثر در پیدایش آن

بسیاری از انواع تکدیگری بر اساس عوامل روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوجود می‌آید و محصول ساختار اجتماعی و نارسایی‌های ناشی از آن هستند. به طور کلی عوامل موثر در ایجاد و گسترش پدیده تکدی را می‌توان در دو عامل عمده و مهم خلاصه کرد:

1- عوامل اجتماعی-اقتصادی: گدایی یک زائده اجتماعی است که در پیدایش آن چند عامل مهم اجتماعی دخالت دارند. فقدان شغل، فقر مادی، پیری و ازکارافتادگی، رخوت و سستی، اعتیاد، معلولیت و بیماری، مسایل خانوادگی از قبیل پاشیده شدن خانواده‌ها، مهاجرت از روستا به شهر، نابسامانی‌های اقتصادی از قبیل کمی درآمد و بالا بودن هزینه‌های زندگی، ضعف فرهنگ حاکم بر خانواده‌های متکدیان، شکاف عمیق طبقاتی از جمله این عوامل به شمار می‌روند.

2- عوامل روانی-فردی: مطالعه ریشه‌های روانی-فردی تکدی بسیار جالب است. زیرا شرایط فردی چیزی جز نتیجه شرایط محیط زیست و اثرات اجتماعی است و موجد استعداد‌های جرم‌زا و گرایش‌های انحرافی در نزد افراد می‌باشد. طبق نتایج بدست آمده از تحقیقات متعدد درصد قابل ملاحظه‌ای از افراد متکدی از اختلالات شدید روانی رنج می‌برند. از این دیدگاه اختلال روانی کم و بیش در فردی شکل می‌گیرد و به ظهور می‌رسد که در اثر حادثه غیر مترقبه روحش آزار دیده باشد. نتیجه این تاثیرات روی آوردن شخص به دست‌درازی و اختلالات رفتاری است که زمینه انجام عمل تکدیگری را تسهیل می‌کند که قصد ما از بیان اختلالات رفتاری، اعتیاد نیز می‌باشد زیرا از دید روان‌شناسی، اعتیاد یک بیماری جسمی-روانی است. دیوانگان و آنان که تعادل قوای خود را چه به صورت ژنتیکی و چه در اثر عوامل محیطی از دست داده‌اند نیز کسانی هستند که به گدایی می‌پردازند بدون آنکه الزاماً درکی اقتصادی همانند دیگر متکدیان از این عمل داشته باشند. این دسته از افراد به علت عدم پذیرش اجتماعی از سوی وابستگان خویش به صحنه تکدی پرتاب می‌شوند و به تدریج در اثر یادگیری اجتماعی این رفتار به صورت یک عادت غریزی روانی در آنان تکرار می‌شود. اتفاقاً اینان از حاصل گدایی خویش بهره‌مند نیستند زیرا حاصل کارشان توسط اراذل و اوپاش به



غارث می رود و یا آن را گم و گور می کنند. در تحقیقی که در سال 1386 توسط نگارنده مقاله در شهرستان مرودشت بر روی پنجاه نفر از متکدیان بعمل آمد، طبق نتایج بدست آمده 50٪ از متکدیان بعثت اعتیاد و 10٪ بعثت بیماری روانی به تکدیگری روی آورده اند، همچنین 24٪ از این متکدیان در مقطع سنی زیر هیجده سال بودند. یکی از عوامل مهم در پیدایش تکدیگری بخصوص از نوع کودکان خیابانی، تاثیر عوامل درونی یعنی خانواده، روابط خانوادگی و الگوهای کارکردی آنهاست. خانواده یک عامل مهم و در بسیاری از موارد، عامل قاطع و بنیادی در رشد شخصیت خردسالان است. شرایط خانوادگی عامل مهمی در اجتماعی شدن کودک است. جامعه پذیری اولیه تاثیر زیادی در رشد شخصیت فرد دارد. خانواده باید کارکردهای مختلفی مانند کارکرد تولیدی، اقتصادی، اجتماعی، روان شناختی، تربیتی و اخلاقی را دارا باشد. یکی از علل اجتماعی پدید آمدن تکدیگری، فروپاشی خانواده است. وقتی خانواده ای بموجب طلاق از هم پاشیده می شود و کودکان بی سرپرست می شوند، در جامعه غرق می شوند. هم چنین مرگ پدر که در نظام اجتماعی ایران، به عنوان تنها نان آور خانواده مطرح است باعث می شود که اطفال بی سرپرست شوند و وضع اقتصادی خانواده متزلزل شود. اگر در اینجا مادر به عنوان تنها حامی فرزندان نتواند و یا به عللی قادر نباشد آنها را سرپرستی کند، اطفال بر اثر گرسنگی به ولگردی و گدایی و سایر مشاغل کاذب روی می آورند. از آنجا که در قانون مجازات اسلامی ایران پرداختن به تکدیگری، جرم و برای آن ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است، کودکان و نوجوانان زیر هیجده سال که به تکدیگری می پردازند، تحت عنوان بزهکاری اطفال از آنها یاد می شود. نوجوان بزهکار، کسی است که متهم به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی و یا قانون شکنی است ولی بعثت آنکه به سن قانونی (18 سال) نرسیده، نحوه مجازات آنها با افراد بزرگسال متفاوت است. ماده 712 قانون مجازات اسلامی: (هر کس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی بدست آورده است مصادره خواهد شد.) و همچنین ماده 713 قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: (هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد.)



بزهکاری پدیده ای طبیعی و ذاتی نیست و هیچ نوجوان و جوان بزهکاری از هنگام تولد مجرم به دنیا نمی آید بلکه عوامل متعدد و گوناگونی او را به سوی ارتکاب جرم سوق می دهد. اغلب روان شناسان مهم ترین علل بزهکاری جوانان را عوامل فردی، شخصیتی و جامعه شناسان، نابسامانیها و ناهنجاری های اجتماعی عنوان می کنند. به عبارتی گروه اول بزهکاری را ناشی از عدم خودکنترلی فرد و گروه دوم فقدان کنترل اجتماعی می دانند. اما آنچه که همگی آنان بر آن اتفاق نظر دارند، تاثیر شیوه های تربیتی والدین و محیط های پر آشوب خانوادگی است که می تواند عاملی برای ارتکاب جوان و فرد به اعمال بزهکارانه محسوب شود. تحقیقات مختلفی نشان میدهد که نوجوانان بزهکار دارای مشکلات روانی، عاطفی متعددی هستند که منجر به بروز رفتار های ضد اجتماعی آنان می شود. این گروه اغلب:

- از عقب ماندگی ذهنی یا هوش پایینی برخوردارند.

- رفتارهای هیجانی، احساسی شدیدی از خود بروز می دهند.

- دچار ضعف عزت نفس و خویشتن داری هستند.

- مرتبا به حقوق دیگران تجاوز می کنند.

- در برقراری روابط اجتماعی سالم ناتوانند.

- علاقه و انگیزه ای برای پیشرفت و ترقی ندارند.

- اعتماد به نفس و خودپنداره ضعیفی دارند.

- نسبت به ارزش ها و هنجار های اجتماعی بی تفاوت هستند.

- رفتار های غیرمسئولانه و ضد اخلاقی دارند.

در تحقیق انجام شده توسط قاسم زاده (1382) نتایج تحقیق چنین بود: 92٪ کودکان خیابانی بین 14 تا 18 سال در هر چهار زمینه رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی دچار مشکلات فراوان هستند. 89٪ آنها از نظر رشد عاطفی و روانی دچار احساس کم ارزشی، 40٪ دچار حسادت، 58٪ دچار بدبینی و منفی گرایی، 45٪ دچار افسردگی، 54٪ دچار اضطراب، 84٪ دچار احساس ناامنی و ترس و 77٪ دچار بحران هویت هستند.

نتایج آماری در تحقیقی در مورد کودکان استثنایی روشن کرد در نابینایان مورد آزمون، افسردگی از نوع خفیف است. قابل ذکر است که اغلب حالات روانی که به نابینایان نسبت داده شده و از آن جمله می توان از افسردگی نام برد، به سبب نقص بدنی این افراد نیست، بلکه به طرز فکر و شیوه برخورد افراد در جوامع مختلف بستگی دارد. فردی که معلولیت خویش را به عنوان یک واقعیت می پذیرد، در برخورد با شرایط زندگی خویش به مراتب از قدرت انطباق بیشتری برخوردار است. البته در رابطه با این افراد نباید نقش خانواده فرد نابینا را از یاد برد. زیرا خانواده سهم مهمی در ایجاد خویشتن پنداری مثبت یا منفی در فرد دارد. دختران و پسران نابینا بسته به نوع جنسیت خود دارای مشکلاتی هستند. دختران نابینا از محدودیت هایی رنج می برند که به عنوان مثال می توان از مراقبت های بیش از حد والدین از آنها نام برد. اکثر والدین دختران نابینا، دختران خود را در خانه نگهداری می کنند و از فعالیت های اجتماعی آنان جلوگیری می کنند. از سوی دیگر پسران نابینا نیز دارای مشکلاتی هستند. پسران به علت برخوردهای اجتماعی گسترده تر، رنج نابینایی را بیشتر احساس می کنند. مسئله اشتغال نیز مشکل عمده دیگری است که نابینایان با آن مواجه هستند. کم توجهی به مسئله اشتغال نابینایان بعضا باعث روی آوردن آنها به کارهایی چون تکدیگری می شود. بنابراین دختران و پسران نابینا هر کدام با مشکلاتی روبرو هستند و باید با تدبیر، آموزش و برنامه ریزی صحیح و اصولی به رفع آنها اقدام کرد.

مشکلات سلامتی یا مشکلات روان شناختی همراه با عملکرد ضعیف اجتماعی، اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری به دنبال حضور افراد در خیابان جهت تکدیگری، منجر به بروز شدیدترین آسیب های روان شناختی می شود. در حال حاضر پدیده تکدیگری از شهر های بزرگ مانند تهران، اصفهان، شیراز و مشهد به شهرهای کوچک نیز سرایت پیدا کرده است و در صورت عدم برنامه ریزی دقیق، شاهد آسیب های اجتماعی این پدیده خواهیم بود.

اکنون به چند نمونه از راه حلهای اسلام در ارتباط با مسئله تکدی اشاره می شود با عنایت به اینکه شیوه نگرش اسلام کلی و جامع است. به عبارت دیگر جامعه در قبال این مسئله مسئولیت دارد و اصالت فرد و جامعه در اسلام توجیه کننده اینگونه برخورد می باشد.

الف- راه‌های فردی. تحت این عنوان مسئولیت‌های فرد در ارتباط با مسائلی که گریبانگیر وی در جامعه می‌شود مورد بحث قرار می‌گیرد. زیرا واقعیت این است که شخصیت، عادات، نگرش‌ها و طرزتلقی‌های فرد در شکل‌گیری مسئله تکدی موثر است و اسلام در این رابطه شیوه‌هایی را توصیه می‌کند:

1- اظهار بی‌نیازی عن الصادق(ع): من طلب الدنيا استغنا عن الناس و تعطفنا علی الجار تقی الله و وجهه کالقمر ليله البدر. یعنی از امام صادق(ع) روایت شده که هر کس دنیا را از روی بی‌نیازی به مردم و مهربانی به همسایه بخواهد صورتش مانند ماه می‌درخشد. (بحارالانوار ج 75 ص 54)

2- کتمان نیاز عن النبی(ص) من جاع او احتاج فکتمه الناس و افشاء الی الله کان حقا علی الله ان یرزقه سنه من حاله. یعنی هر کس گرسنه یا محتاج شود و آن را از مردم پنهان کند و نزد خدا افشاء کند، خداوند شایسته میدانند که روزی یکسال وی را از طریق حلال به او برساند. (بحارالانوار ج 43 ص 97)

3- قناعت عن الصادق(ع) ضمنت لمن اقتصد ان لا یفتقر. یعنی امام صادق(ع) فرموده است که تضمین میکنیم برای کسی که قناعت میکند که هیچگاه فقیر و محتاج نشود. (بحارالانوار ج 75 ص 54)

رویه‌مرفته یکی از نتایجی که از روایات فوق می‌توان گرفت این است که روایات مزبور تاثیر اخلاق فردی را در جلوگیری از رواج تکدی بیان می‌کنند.

ب- راه‌های جمعی. راه حل جمعی یا تعاونی برای رفع کمبودها و مسائل اجتماعی یکی از بارزترین راه‌های اسلامی است. راه حل تعاونی هم در اخلاق اسلامی و هم در سیره و روش زندگی ائمه معصومین علیهم السلام مشاهده می‌شود که به چند نمونه اشاره میشود.

1- سرپرستی خانواده‌های مستمند. قال الباقر(ع) ان علی ابن الحسین(ع) کان یعول ماه بیت من فقراء المدینه و کان یعجه ان یحضر طعامه الیتامی و الاضرای و الزمنی و المساکین الذین لاجبله لهم و کان ینا ولهم بیده و من کان منهم له عیال حمله آلی عیاله من طعامه. امام باقر(ع) فرمود: علی ابن الحسین(ع) سرپرستی یکصد خانه از فقرای مدینه را عهده دار بود و خوشحال می‌شد از اینکه یتیمان، تنگدستان، بیماران و مستمندانی که راه چاره‌ای ندارند بر سفره او حاضر شوند و با

دست خود به آنان غذا می داد و اگر دارای خانواده بودند، غذا را برای خانواده آنان حمل می کرد. (بحار اتانوارج 75 ص 364)

2- سهیم کردن مستمندان. قال امیر المومنین (ع) عندو فاته: الله الله فی الفقراء و المساکین فشارکوهم فی معاشنکم. امیر المومنین علی (ع) هنگام وفات خود فرمود: خدا را خدا را، درباره فقرا و مستمندان پس آنها را در زندگی خود شریک نمایید. (بحار الانوار ج 75 ص 79)

3- صدقات پنهانی و آشکار. سوره بقره، آیه 271: اگر به مستحقان آشکارا انفاق و صدقه کنید کاری نیکو است لیکن اگر در پنهان به فقرا رسانید نیکوتر است. خدا به پاداش آن گناهان شما را مستور دارد و خدا از آشکار و پنهان شما آگاه است.

در اسلام علاوه بر راه حل‌های فردی و جمعی برای رفع مسئله فقر و تکدی برنامه‌هایی در اقتصاد اسلامی وجود دارد که طبق ضوابط دقیق با استفاده از امکانات مالی جامعه اسلامی، دولت را موظف به اجرای آنها می‌سازد مانند دریافت خمس و زکات واجب. البته چگونگی اجرای این برنامه‌ها به نوبه خود مستلزم تحقیقات علمی وسیعی است که در قالب وظایف دیوانی یا سازمانی قرار دارد.

نتیجه گیری

هر چند پدیده تکدیگری یک معضل جهانی است که علاوه بر کشورهای جهان سوم ممالک توسعه یافته و مرفه صنعتی نیز به نحوی با آن درگیرند و به همین خاطر همچون واقعیتی ناگزیر پذیرفته شده است و عموماً وجود میزانی از آن را برای هر جامعه‌ای طبیعی به شمار می‌آورند، با این حال از زشتی و کراهت مسئله به هیچ وجه کاسته نمی‌شود و فراگیری و همه‌جایی بودنش، مسئولیت دولت‌ها را در از میان برداشتن آن زائل نمی‌سازد. ناپسندی چنین پدیده‌ای برای جامعه ما نیز که در قانون اساسی منبعث از آن به صراحت بر پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه (بند 12 اصل سوم قانون اساسی) تأکید نموده و تامین نیازهای اساسی و شرایط و امکانات کار برای همه افراد (بند 9 اصل دوازدهم قانون اساسی) را بر عهده برنامه‌ریزان اقتصادی کشور دانسته و برخورداری از تامین اجتماعی برای همگان، خصوصاً



بازنشستگان، بیکاران، سالخوردهگان، ازکارافتادگان، بی سرپرستان، درراه ماندگان و آسیب دیدگان از حوادث و غیره را حق مسلم آنان دانسته (اصل بیست و نهم قانون اساسی) واضح است.

به طور کلی می توان راههای رفع تکدی را به دو گروه عمده تقسیم کرد:

اول: پیشگیری

-تامین حداقل معیشت

-ایجاد اشتغال و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی

-ریشه کن نمودن بیسوادی و برخورد مستمر با پدیده تکدی

-جلوگیری از مهاجرت بی رویه به شهرهای بزرگ و ایجاد جاذبه در شهرهای کوچک

-نگهداری سالمندان و معلولین و بیماران روانی به طور شبانه روزی

-برخورد قاطع با متکدیان حرفه ای و شپادانی که به یک نوع زندگی انگلی خو گرفته اند.

دوم: اجرا

-برنامه ریزی و اجرای طرح های زیربنایی و مستمر در نقاط مختلف کشور

-فراهم نمودن امکانات لازم جهت بازپروری

-ادغام و همکاری هماهنگ همه سازمان ها و خیریه های ذیربط و ذینفع.

فهرست منابع

1-حسینی، قاسم، تکدی درد و درمان، ماهنامه پاسدار اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شماره های

248 و 249 مرداد و شهریور. 1378

2-خسوات، جعفر، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. 1360

3-ساروخانی، باقر، دریوزگان، موسسه نشر کلمه، چاپ اول. 1377

4-شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ویستار، پاییز. 1374

5-شیخوندی، داور، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. 1373



6- علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد 43 و 75 انتشارات جاویدان. 1364

7- مصباح، محمد، نگرشی از درون به حاشیه نشینی، فصل نامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

شماره 17 پاییز 1383.

Archive of SID